

## پیشگفتار

عدالت اجتماعی خواست و آرمان همیشگی در تاریخ بشریت بوده و نوید موعود ادیان الهی بوده است. منجی که نه به شعار اسلام، بلکه با شعار برپایی عدالت، بشر را راهبری می‌کند و همین امر، دال بر جهانی بودن دعوت ایشان است. قرآن کریم، جریان رسالت و نزول کتب آسمانی را برای تحقق عدالت اجتماعی طرح می‌کند. انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از شعارهای اساسی خویش را عدالت اجتماعی، نفی استکبار و استضعاف، رفع فقر و تبعیض زدایی از جامعه قرار داد. دهه چهارم انقلاب اسلامی نیز دهه «پیشرفت و عدالت» نام گرفت تا ذیل این نام، گفتمانی جدید به جای ادبیات توسعه رایج، شکل گیرد. این بار، عدالت در حال شکل دهی زبان جدیدی برای پیشرفت جامعه اسلامی است. در عین اینکه عدالت اجتماعی شعار و خواست همیشگی بوده اما اکنون تعریف مشخص، مجمع علیه و راهگشایی برای آن موجود نیست.

### خاستگاه نیاز به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی

اولین گام در تحقق عدالت اجتماعی، تعریف آن از منظر اسلام است. از این رو، نیاز به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی، نیازی اساسی و فوری برای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. همه چیز تابع نظریه است: شاخص‌ها، راهکارها، تعریف مسئله‌ها، بازتعریف عدالت‌های مضاف و ... . تعاریف موجود همچون تعریف عدالت به نیاز، اعطای حق، وضع بایسته، مساوات و ...، به دلایل مختلف نتوانسته‌اند راهگشا باشند. همه این تعاریف تا حدی، انعکاسی از حقیقت عدالت هستند اما شمولیت آن‌ها در تعریف اسلامی عدالت اجتماعی، ناقص است.

در کنار نقص تعاریف، نقص در دستگاه و سبک نظریه پردازی عدالت اجتماعی نیز وجود دارد. فارغ از اینکه عدالت، نیاز است یا برابری یا ...، لازم است که نظریه اسلامی عدالت اجتماعی، جایگاه عدالت را در میان سایر ارزش‌ها و نظام‌های اجتماعی مشخص کند و نظریه اصلی ساخت نظام اجتماعی باشد؛ درحالی‌که ادبیات موجود، چنین توانی را ندارد. ادبیات عدالت اجتماعی در غرب، اساساً دارای تعارض مبنایی با عدالت اجتماعی از نگاه اسلامی است؛ چراکه تعهدی بر حق و حقانیت ندارد، اتصالی با عالم معنا ندارد و عمده‌تاً نیز در مقام نظام سازی اجتماعی نیستند. ادبیات موجود در مورد عدالت اجتماعی از منظر اسلامی، نیز دغدغه نظام سازی نداشته و صرفاً به دنبال تعریف کلیدواژه ای عدالت هستند. سهل و ممتنع بودن مفهوم عدالت نیز بر افزایش چالش در این زمینه افزوده است؛ چراکه عموم افراد، معنای عدالت را در ذهن دانسته و مصادیق خارجی آن را به ارتکاز ذهنی، قابل شناسایی و تطبیق می‌دانند. در مرحله نظام سازی نمی‌توان به ارتکاز ذهنی عمومی یا سطح عرفی عدالت اکتفا کرد؛ بلکه عبور از هفت خوان عدالت، درگرو فهم پیچیدگی و سطوح و مراتب مختلف مفهوم عدالت است.

اگر بخواهیم کلیه عناصر مطروحه در ادبیات موجود عدالت را دسته‌بندی کنیم و نگاهی کلان به ادبیات داشته باشیم، می‌توان به الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی<sup>۱</sup> اشاره کرد که با اصلاحاتی در جدول شماره یک، قابل نمایش است:

جدول شماره ۱: ابعاد و عناصر تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی

ابعاد	عناصر	
مبنایی	هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی	الگوریتم
متعلق توزیع	مقدار (مکیل، معدود، موزون، مساحت)، قیمت (اسمی، واقعی)، مطلوبیت، مازاد رفاه، احترام، قدرت، موقعیت، دسترسی و فرصت	تحلیل موقعیت مسئله در
متغیر موجود حق	شایستگی‌های فردی، نیاز و کرامت انسانی (اکتسابی، طبیعی، انتسابی و تاریخی)، عمل، عملکرد و تحقق نتیجه، برابری انسان‌ها، آزادی و تراضی، نیت، عرف و تاریخ	عدالت پژوهی

<sup>۱</sup> جهت مطالعه بیشتر: اکبری رضا، تراب زاده جهرمی محمد صادق، حبیبی محسن (۱۳۹۵)، درآمدی بر الگوریتم تحلیل موقعیت مسئله در عدالت پژوهی، مطالعات میان رشته‌ای علوم انسانی، شماره ۳۳: ۱۴۷-۱۶۶.

اعضویت و قلمرو	افراز حوزه‌های اجتماعی	آموزش، سلامت، امنیت و ...
مکانیسم‌های تخصیص	افراز ذی‌نفعان	از حیث قدرت، از حیث نقش‌های اجتماعی و ...
زمان	صف، تقدم، ارشدیت، گردش، قرعه و ...	
نتیجه	قبل از شروع، دور اول تخصیص، دور دوم و بازتوزیع، سایر ادوار	
زمینه	برابر مطلق، نسبت برابر، نابرابر، توازن کل	
	اطلاعات	نسبت به متعلق توزیع، نسبت به آستانه تحمل ذی‌نفعان، نسبت به ترجیحات ذی‌نفعان، نسبت به رخدادهای طبیعی و ...
		سنت‌ها، عرف و تاریخ

الگوریتم فوق، الگوریتم فرم و صورت است و محتوا را باید از یک نظریه محتوایی مطالبه کرد. با توجه به الگوریتم فوق، نیازمند نظریه‌ای هستیم تا برای حل مسئله و نیز نظام سازی مبتنی بر عدالت اجتماعی، به انتخاب مؤلفه‌هایی از این ابعاد ۸ گانه دست زنیم. این نظریه لاجرم باید مبتنی بر مبانی اسلامی باشد. از این رو، در اختیار داشتن نظریه اسلامی عدالت اجتماعی، اولین اولویت به شمار می‌رود.

متأسفانه و به هر دلیل که باشد، تاریخ اندیشه‌ای شیعه در تولید نظریه اسلامی ناب عدالت دچار ضعف جدی است و شاید یکی از علل مهم این امر، در اختیار نداشتن حکومت بوده است. مطالعات اسلامی معاصر نیز عموماً به جای طرح بحث عدالت در میان نظام ارزش‌ها، به سراغ بحث بر سر معیارهایی چون برابری، نیاز، کارایی و ... رفته‌اند که ما را از نظام سازی دور کرده است. همچنین عمده این مطالعات در یک سطح، متوقف شده‌اند و عمق ورودشان به مباحث نقلی یا عقلی اسلامی متوقف شده است.

#### مسیر رسیدن به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی

برای دستیابی به نظریه اسلامی ناب عدالت به دو شیوه می‌توان اقدام کرد: ۱. مراجعه به منابع اصیل دینی، با روش اجتهاد سنتی در عین به کارگیری نوآوری‌های روشی. ۲. مراجعه به آراء متفکران اسلامی که نوعی پل زدن غیرمستقیم به نظریه اسلامی عدالت است. در اثر

حاضر، مسیر دوم انتخاب شده است که مبتنی بر اندیشه شش متفکر دینی معاصر (حضرت امام خمینی ره، علامه طباطبایی ره، شهید بهشتی ره، شهید صدر ره، شهید مطهری ره و آیت الله خامنه‌ای دام‌الله)، به استخراج نظریه عدالت اجتماعی می‌پردازیم. رجوع به اندیشه متفکران دینی به نسبت شیوه اول، سهل الوصول‌تر و در عین حال اجمالی‌تر است. در عین حال، شیوه اجتهادی نیازمند پژوهشگرانی در تراز این روش است. در انتخاب این متفکرین، تأثیرگذاری آن‌ها در جریان اندیشه اجتماعی اسلامی معاصر، گستره، عمق و سطح مباحث این متفکران محل توجه بوده است؛ نه جایگاه سیاسی و اجتماعی آن‌ها.

#### جدول ۲: مقایسه راهبردهای فهم اندیشه دینی

راهبردها عناصر مقایسه	مراجعه به منابع دست اول دینی	فهم منطق عملی مجتهد دینی
زمان مورد نیاز	بلندمدت	کوتاه مدت
عمق علمی	زیاد	متوسط
کاربرد بودن	کم	زیاد
بسته‌بندی مفهومی	تخصصی	زبان قوم (مبتنی بر فهم عامه)

ممکن است برخی تصور کنند، مباحث این متفکران عمدتاً کلی و فاقد نوآوری‌های لازم برای مسائل جاری کشور باشد؛ در عوض باید به برخی معاصرین و آثار آن‌ها توجه کرد. در پاسخ باید بیان کنیم، این تفکر حاصل نوعی خام‌اندیشی در ظرفیت اندیشه‌های این متفکران است. تحلیل و بررسی «هسته عدالت پژوهی مرکز رشد» نشان می‌دهد، به جز برخی موارد خاص، مرز دانش عدالت همچنان در سطح آرای این متفکران باقی مانده و نویسندگان معاصر نیز عمدتاً وامدار آرای این متفکران دهه‌های گذشته جامعه ما هستند. بگذریم که متأسفانه در بسیاری از موارد، فهم درست و جامعی نیز از دیدگاه آن‌ها در میان معاصرین نیز دیده نمی‌شود. بنابراین مراجعه به این متفکران نه بر اساس یک حس نوستالژیک یا یک رویکرد ارتجاعی، بلکه کاملاً با هدف بازخوانی نوآورانه آرای آن‌ها برای مسائل روز جامعه ایران در ابتدای دهه پنجم انقلاب اسلامی است.

### مختصات رجوع به متفکران اسلامی در رسیدن به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی

متفکرانی که در این کتاب، محل مراجعه واقع شده‌اند، اولاً به لحاظ بنیان‌های فکری دارای قرابت هستند که می‌توانند مکمل یکدیگر و نیز کنترل‌کننده نظریه مستخرج باشند، ثانیاً با دوران جدید و مسائل کنونی بیشتر درگیر بوده و اندیشه خود را در تناسب با زمان و مکان حاضر طرح کرده‌اند، ثالثاً با اندیشه غرب بیش از گذشتگان مواجه بوده‌اند، رابعاً عموماً در نظام معارف اسلامی تک‌وجهی نیستند و از عرفان و فلسفه تافقه و تفسیر را پوشش می‌دهند فلذا تک بُعدی، به معارف دینی ورود نکرده‌اند.

در عین حال، آنچه عرضه می‌شود، برداشت و جمع‌بندی پژوهشگران حاضر از اندیشه این متفکران است که هم امکان خطای برداشت و هم امکان تکامل و تفصیل در آن وجود دارد. نقطه قوت این اثر، توجه نویسندگان به مسئله شناسی در حوزه عدالت اجتماعی، آشنایی با ادبیات رایج عدالت، ورود به معارف اسلامی از سوی آنان و نیز داشتن نیم‌نگاهی به نظام‌سازی براساس عدالت اجتماعی است. از این رو، مسیر اصلاح و تکامل همواره باز است. همچنین به جهت محدودیت تیم پژوهش، دایره بررسی اندیشه متفکران دینی معاصر مبتنی بر شش متفکر بود که امکان اتساع آن نیز وجود دارد.

قطعاً این متفکران معاصر را، به معنای خاص از «نظریه پرداز»، نمی‌توان نظریه پرداز عدالت اجتماعی معرفی کرد؛ اما به جهت جایگاه ویژه عدالت در اندیشه دینی، طرح بحث این متفکران در حوزه عدالت، دارای مبنا و چارچوب دینی بوده و در دستگاه معارف دینی قرار می‌گیرد. البته باید مدنظر داشت که بسیاری از اندیشمندان عرصه عدالت، بر همین اساس، لزوماً نظریه پرداز عدالت اجتماعی نبوده‌اند بلکه بنا به اهمیت جایگاه عدالت در یک نظام فکری فلسفی-اجتماعی، به آن به صورت کم و بیش پرداخته‌اند و اکنون به عنوان نظریه پرداز عدالت مورد توجه هستند. از این رو، در یک معنای عام، این متفکران دینی نیز نظریه پرداز عرصه عدالت تلقی خواهند شد. غرض نگارندگان درگیر شدن با معنای نظریه نیست بلکه هدف، استخراج صورت‌بندی متفکران اسلامی معاصر از عدالت اجتماعی است.

در خصوص امکان استخراج یک نظریه ترکیبی از میان اندیشه شش متفکر، اولاً باید میزان و نوع اختلاف نظر آنان را در مسئله عدالت و اکاوی کرد و ثانیاً در کنار اختلاف‌ها، لازم است اشتراکات نظری و مبنایی را جستجو کرد. آنچه عرضه می‌شود در عین توجه به اختلافات،

مبتنی بر اشتراکات نظری است که با مبنای هر شش متفکر، سازگار است. در عین حال باید توجه داشت که بخشی از این اختلافات نه به جهت تعارضات اندیشه‌ای بلکه به جهت سطح ورود متفاوت آنان به موضوعات است که از قضا، امکان تکمیل نظریه اسلامی عدالت را در لایه‌های مختلف فراهم می‌کند.

ادعای رسیدن به نوعی صورت‌بندی مشترک از بحث عدالت در میان این شش متفکر، به معنای همگنی کامل آرای این شش متفکر در موضوع عدالت یا سایر موضوعات اجتماعی اسلام نیست؛ بلکه تنها بر این امر تأکید می‌کند که ظرفیت‌های رسیدن به نوعی وحدت در میان این کثرت دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها موجود است. فهم نوعی وحدت در آرای این متفکران، از پس یک بررسی تفصیلی و جداگانه هر یک از متفکران حاصل شده است و با نوعی وحدت نظر که در ابتدای مسیر برای هر جستجوگری درک می‌شود، متفاوت است. از پس فهم کثرت، این وحدت درک می‌شود. توضیحات بیشتر ناظر به روش‌شناسی این ترکیب را در فصل آخر مشاهده خواهید کرد.

اینکه بدون تسلط به نظام فکری یک متفکر، امکان طراحی و ارائه نظام فکری موضوعی وی وجود ندارد نیز محل‌خدشه است. باید توجه داشت که امکان استخراج نظام فکری موضوعی وجود دارد؛ اما تفصیل آن قطعاً با توجه به نظام فکری آن متفکر قابل ارائه است. در واقع برای دستیابی به اندیشه یک متفکر در یک موضوع، ابتدا نیاز به فهم کامل نظام فکری وی نیست. البته در طی زمان، امکان تکامل دارد. این امر خصوصاً برای کسانی که از انسجام فکری بالایی برخوردارند ساده‌تر خواهد بود؛ چراکه گزاره‌های اندیشه‌ای آنان، عمدتاً در تأیید و تکمیل یکدیگر برمی‌آیند.

#### ساختار کتاب

کتاب حاضر در هفت فصل به نگارش درآمده است. در شش فصل ابتدایی، مقوله عدالت اجتماعی در اندیشه حضرت امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید صدر رحمه الله علیهم و حضرت آیت الله خامنه‌ای دام‌ظله<sup>۳</sup> مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. در فصل نهایی نیز بر اساس فراتحلیلی تفسیری، تقریری نواز عدالت اجتماعی مبتنی بر اندیشه این متفکران اسلامی معاصر صورت گرفته است.

تلاش شده است تا ساختار هر فصل مبتنی بر سه گانه «قبل از عدالت، عدالت و پس از

عدالت» تعریف شود. در واقع سعی بر آن است که صورت‌بندی هر متفکر از عدالت، ابتدا عدالت را در نظام هستی جایابی کند، سپس ابعاد عدالت را تشریح کند و در نهایت عدالت را در مرحله اقامه به نقش‌آفرینی درآورد. پژوهشگران برای بررسی هر فصل، ابتدا پیشینه مطالعات صورت گرفته در حوزه اندیشه آن متفکر را بررسی و پس از آسیب‌شناسی مطالعات گذشته، به بررسی مستقیم و حداکثری منابع مرتبط اندیشه‌ای عدالت در آثار آن متفکر پرداخته‌اند. در این مسیر، ابتدا هر فصل به صورت انفرادی تدوین و سپس به صورت جمعی، بازخوانی و اصلاح شد. این امر، هم دقت فصول را ارتقاء داد و هم نکات تلاقی اندیشه شش متفکر را مشخص ساخت. در فصل‌هایی نیز، تقریر جدیدی از عدالت اجتماعی در قالب یک فراتحلیل مبتنی بر اندیشه متفکران اسلامی معاصر، ارائه شده است.

#### سیر تولد کتاب

شروع تدوین کتاب را می‌توان از دی‌ماه ۱۳۹۴ دانست که منجر به انتشار کتاب «فهم جوهره اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی در عرصه عدالت» در سال ۱۳۹۶ شد. بررسی اندیشه پنج متفکر دیگر نیز از اواخر سال ۱۳۹۵ آغاز شد و محتوای انفرادی هر یک از فصول در نشستی با حضور «حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی» در محل دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم ارائه شد. هم‌زمان با مسیر پژوهشی متفکر محور، مطالعات قرآنی و روایی در حوزه عدالت نیز آغاز شد و توانست بر دقت و غنای «مطالعات متفکر محور» بیفزاید. در اسفندماه سال ۱۳۹۶، نسخه اولیه از نظریه اسلامی عدالت اجتماعی مبتنی بر اندیشه متفکران اسلامی معاصر، در نشست سالیانه هسته عدالت پژوهی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ارائه شد. از ابتدای ۱۳۹۷، نسخه اولیه نظریه اسلامی یا برش‌هایی از آن در جلسات مختلف به بحث و بررسی گذاشته و فرایند اصلاح آن کلید خورد: اندیشکده عدالت مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کارگروه عدالت گروه الگوی پایه پیشرفت به دبیری «دکتر حسین عیوضلو»، چهارمین کنگره «علوم انسانی اسلامی»، مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، گروه عدالت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نشست‌های تخصصی با «دکتر عادل پیغامی»، «دکتر محمد صادق نصرت پناه» و «دکتر مرتضی فخاری». ویرایشی از این نظریه، مبنای طراحی شاخص ترکیبی عدالت اجتماعی قرار گرفت که خروجی آن در قالب کتاب «شاخصی برای عدالت» در ابتدای سال ۱۳۹۸ به چاپ

رسید. از این مسیر نیز بازخورهای مختلفی دریافت شد که نهایتاً ما را بر آن داشت تا نسخه اولیه نظریه اسلامی عدالت اجتماعی را پس از اصلاحات، به صورت رسمی منتشر کنیم. برش‌هایی از این اثر در قالب مقالات مختلف در نشریه «نقد و نظر»، نشریه «تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی» و ... به چاپ رسیده است.

اکنون مسیر تولید نظریه اسلامی عدالت اجتماعی برای «هسته عدالت پژوهی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام» آغاز شده است و کتاب حاضر، شروعی خواهد بود که با قرار گرفتن در معرض نقد و نظر جامعه عدالت پژوهی و محققان حوزه اندیشه اسلامی، می‌تواند گام‌های محکم‌تری در رسیدن به نظریه اسلامی عدالت اجتماعی بردارد.